

تاریخ ۰۳/۰۳/۲۰۰۸

لیکوال: همراه - همگام

در رسانه های درون و بیرون مرزی افغانستان چه میگذرد؟ { بررسی وسایل اطلاعات جمعی از افغانستان تا آمریکا }

رسانه هادر داخل کشور



از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد. از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق نشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است بشریت را که روح به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد. از آنجا که اساساً (لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد. از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی حقوق مرد و زن و تساوی مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزاد تر وضع زندگی بهتری بوجود آورند. از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل تامین کنند. از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد. مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند و افراد همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایماً در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها می باشد، تامین گردد.

از مقدمه ی اعلامیه جهانی حقوق بشر.

کنفوسیوس حکیم چینی (تولد: ۵۵۱ پیش از میلاد مسیح/ مرگ: ۴۷۹ قبل از تولد مسیح) می گوید: «هیچ مهم نیست که تو چقدر آهسته راه می روی. مهم آنست که نمی ایستی.» می شود از روی این حرف به سرعت گذشت و بدان اعتنایی نکرد. حتی می توان این گونه استدلال کرد که هر آهسته رفتنی هم، نه بازده دارد و نه تکامل. بهتر است انسان کمی توقف کند، کمی نیرو هایش را جمع کند، به افکارش سر و سامان بدهد و سپس حرکت خود را با آهنگی تند تر ادامه دهد. البته هر انسانی میتواند با این جمله موافق باشد. اما به معنی آن نیست که حرف کنفوسیوس باطل است. او وقتی به این نکته می پردازد که کند رفتن بهتر از توقف کردن است در واقع می خواهد اهمیت حرکت و پوییش را به نمایش بگذارد. دانشمندی گفته است اگر می خواهید پدران و مادران پیر شما زودتر بمیرند، همهی کار هایشان را شما انجام بدهید. علتش این است که کار نکردن آنان، بدن و روحشان را فرسوده می کند و آنان کم کم به این نتیجه می رسند که حتی کمترین کار هم از دستشان برای خودشان ساخته نیست چه رسد برای دیگران.

در همین جاست که افسردگی روحی، آنان را در هم می شکند و جسم نیز به پیروی از آن، دچار در هم شکستگی می شود. انسان فرزند تعادل است. نمی شود سی شبانه روز کار کرد و نخوابید و بعد سی شبانه روز دیگر استراحت مطلق کرد. در واقع، همان اندازه که افراط در کار کردن، ساینده و فرساینده است، استراحت کردن افراطی نیز، لوله های وجود انسان

را چنان خشک می کند که به زودی بیماری های مفصلی می تواند انسان را به دردمر بیندازد. انسان همیشه نیاز دارد که از یک حرکت متوازن تبعیت کند. اتفاق را که حرف کنفوسیوس، اشارتی است به حفظ همین توازن. اما این انسان یاغی و طاغی که دوست دارد دستش را بسوزاند تا متقاعد شود که آتش سوزنده است، همیشه گوش شنوایی برای همی حرف ها ندارد.

اگر به محیط پیرامون خود بخوبی بنگریم، متوجه برخی مسائلی خواهیم شد که شاید تا کنون به ارزش و ضرورت آن پی نبرده باشیم. هر چیزیکه به آن نظر افکنیم، امکان ندارد بدون نام و یا واژه ای باشند. مانند: شب، روز، آب، نان، زمین، زمان، آسمان ستاره گان و خیلی موارد دیگر. پس چیزی در محیط ما وجود ندارد که بدون نام باشد حال هر نامی که باشد.

برخی از مواردی که به آنها اشاره شد، می تواند یک ثروتی که خداوند آنرا به عدالت و یک رنگی (بدون در نظر گرفتن؛ نژادها، رنگها، لجه ها و...) صرفاً در اختیار انسان قرار داده است. آیا تا کنون شده به این مسائل فکر کنیم؟ آیا شده که تمام اجزائی که در دسته ی ثروت قرار دارند را شناسائی کنیم؟ یک موقع اشتباهی از ما سر بزند و ثروت را فقط در مادیات ببینیم، آیا چنین است؟

زمان یعنی چه؟ ثروت در دست انسانها یعنی چه؟ آیا تا بحال به این فکر کردیم که زمان یکی از ثروتهائی است که بین همه ی انسانها به عدالت تقسیم شده؟ آیا چنین نمی دانید؟ به عقیده ی شما، در مورد آن دسته افرادی که از این ثروت استفاده صحیح نمی کنند چه باید گفت یا چه باید کرد؟ و اینرا هم اول بخود می گویم چرا برای از دست دادن آن (زمان)؛ در برخی مواقع بشکل وحشتناک عمل می کنیم چرا؟

باید تفاوت میان عجله (شتاب زدگی) - و سرعت (حرکت روبه پیش)، این دو را از یکدیگر تفکیک نمایم. و البته بسیاری موارد از این قبیل وجود دارند که یقیناً همگان به آنها واقفیم ولی درست عمل نمی کنیم. عصر حاضر که عصر ارتباطات و تکنولوژی نام گرفته است و جهان هر روز به سمت صنعتی شدن پیش می رود و دنیای ماشینی با روح انسان بیداد می کند و انسان خواسته و ناخواسته در کام ایزاری شدن غرق می شود اگر به خود نیاید کم کم از ارزش های انسانی دور شده و به کالا بدل می شود. در این بحران روحی تنها مقوله ای که می تواند فقر عاطفی را التیام بخشد مقوله ای ادبی و عرفانی است، ادبیات راستین روح را تقویت می کند، عشق به زیبایی ها آرامش و شادی را به ارمغان می آورد و موجب می گردد که انسان به داشته ها فکر کند (چون اکثر انسان های عادی بطور معمول به نداشته ها فکر می کنند و تنها وقتی به داشته های خود فکر می کنند که آن را از دست داده اند. و به همین دلیل از توانایی های خود راحت صرف نظر می کنند، چنانکه می دانید خوب و بد، احساس خوشبختی و بدبختی بیشتر در ذهن ما ریشه دارد و اکثراً مجازی هستند نه حقیقی، فقط در ذره بین تصورات ماست که نقش آفرینی می کنند. چه بسا آدم های شاخص و متمول احساس بدبختی می کنند و کسانی هم در کلبه ای محقر خود را خوشبخت ترین فرد جهان می دانند.

مردم افغانستان حدود سه دهه جنگ را با تمام وجود تجربه کرده اند و از خسارت ها، ویرانی ها و آوارگی های ناشی از آن، زندگی آنان به حالت عادی برنگشته است و خطر تروریسم از بین نرفته و مداخلات برخی از کشورهای خارجی در امور داخلی مملکت ما تا هنوز دوام دارد، مدعیان حقوق بشر، و حلقه های عقده مند و تنگ نظر داخلی با بستن اتهامات واهی بر شخصیت های ملی کشور بار دیگر می خواهند آرامش و امنیت نسبی جامعه را برهم زده و مردم آسیب پذیر و رنج دیده افغانستان را با بحران دیگر مواجه سازند.

مردم مسلمان، غیور و با ایمان افغانستان همانطوری که در گذشته، هرگاه احساس می کردند، عزت، شرافت، کرامت انسانی و حاکمیت ملی شان به خطر افتاده است، دست به اقدامات جمعی و ملی می زدند و در مقابل دشمنان درونی و بیرونی ایستادگی می کردند.

با آغاز فصل جدید سیاسی در سال ۲۰۰۱ میلادی، زمینه مساعدی برای پیدایش رسانه های آزاد، مستقل و کثرت گرا در کشور به وجود آمد، قوانین دوره دموکراسی نافذ گردید و سهولت های بسیاری برای فعالیت آزاد رسانه ای در افغانستان ایجاد گردید. در زمینه ی همین فضای مثبت بود که دهها رسانه چاپی و تصویری تأسیس و با آغاز کار رسانه های دیداری طی سال های اخیر، فضای رسانه ای افغانستان از تب و تاب، تنوع و جذابیتی خاص برخوردار گردید.

آزادی فعالیت رسانه ای افغانستان در فصل جدید سیاسی، بیش از همه، موهون حمایت و تعهد جامعه بین المللی از یک سو و الزام دولت افغانستان بر تضمین آزادی بیان و ضرورت گردش آزاد اطلاعات در جامعه از سوی دیگر بوده است، اگر چه نظری وجود دارد که عامل مهم مساعد کننده کار رسانه ها، احتمالاً فقدان قدرت دولتی و ناتوانی نهادهای مربوطه حکومت در اعمال محدودیت هایی بیشتر علیه فعالیت رسانه ای در کشور بوده و فلهاذا، این تشویش همواره وجود دارد که اگر فرهنگ دموکراسی پا به پای نهادهای دولتی رشد نکند، ممکن است قدرت گیری بیشتر دستگاه در پهلوی فوایدی که دارد، بر کار آزاد رسانه ها نیز تأثیر منفی بگذارد.

نکته‌ای که نباید فراموش کرد، حضور گسترده ی یک نیروی عظیم روزنامه‌نگاری جوان در کشور است که به مثابه جریانی فعال و بازدارنده، هر نوع گرایش اقتدار گرایانه، تلاش‌های محدود کننده آزادی بیان و بازگرداندن افغانستان به دوره سیاه سنت‌های استبدادی را با مشکل روبرو می‌سازد. شاید یکی از دستاوردهای مهم رسانه‌های افغانستان در شش سال اخیر، ظهور همین نیروی جوان باشد که هر روز آگامتر و پخته‌تر نیز می‌شود.

میدان عمل رسانه‌ها در افغانستان باز و فراخ و گسترده اما بی‌چالش نبوده است، بر طبق قوانین نافذ کشور مخصوصاً قانون رسانه‌های همگانی، هیچ نوع کنترل، نظارت، سانسور قبل از نشر یا بعد از نشر در کار رسانه‌ها وجود نداشته، دولت، مخصوصاً متولیان رسمی امور نشراتی، آزادی بیان و آزادی فعالیت رسانه‌ها را تضمین کرده و برای تقویه و حمایت از فعالیت آزاد روزنامه‌نگاری در کشور تعهد سپرده اند، اما چالش‌های عرصه کاری رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، مسایل دیگری بوده که بیشتر به ذات و خصلت نظام فکری جامعه، ادامه فرهنگ انباشته خودکامگی، سنت‌ها و شرایط عمومی ناشی از دوده بحران بر می‌گشته است.

مشکلات اقتصادی، آسیب‌پذیری‌های وظیفوی و فقدان نهاد های قوی مدافع حقوق روزنامه‌نگاران، بعضاً عوا مل دیگری بوده که مانع از گردش آزاد اطلاعات صحیح در جامعه و فعالیت دقیق و روشنگرانه روزنامه‌نگاران می‌شده است. رشد رسانه‌های افغانستان در دو بعد کمی و کیفی قابل بررسی است، از نظر کمیت، رسانه‌ها در افغانستان طی سال گذشته یک مسیر رشد یابنده، کثرت گرا و تکاملی را طی کرده‌اند.

شش سال پیش در افغانستان، تنها یک نشریه وجود داشت به نام شریعت و فقط یک رادیو فعالیت می‌کرد به نام صدای شریعت، اما امروز، تنوع و تکثر کمی رسانه‌ها در افغانستان در سطح منطقه بی‌نظیر است، نگاهی کوتاه به شماره و عناوین رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری این تنوع و تکثر را به خوبی می‌نمایاند.

ثبت رسمی بیش از پنجمصد عنوان رسانه چاپی، بیش از پنجاه و پنج رادیوی خصوصی و چهارده تلویزیون شخصی و خصوصی که حداقل هفت تلویزیون بالفعل فعال‌اند، تأسیس بیش از صد مرکز تولیدات هنری سینمایی، بیش از یک صد و پنجاه مطبوعه شخصی و خصوصی و تأسیس دهها نهاد تولید کننده مواد نشراتی از دستاوردهای مهم فضای جدید سیاسی در افغانستان است. از لحاظ توسعه سیستم ارتباطی نیز پیشرفت‌های زیادی صورت گرفته، شش سال پیش افغانستان تنها از طریق چند دستگاه تلفون سی‌تلاط با دنیای بیرون ارتباط داشت اما امروز، با انکشاف شبکه مخابرات در کشور، حتی شماری از قریه‌های دور افتاده نیز امکان برقراری ارتباط با داخل و خارج کشور را بدست آورده‌اند.

اگر چه برق به عنوان عنصر پایه‌ای ارتباطات همچنان مشکل جدی است اما باز هم در سطح محدودتر امکان دسترسی مردم به تکنالوژی عصری ارتباطات رسانه‌های مانند انترنت تسهیل گردیده است، امروز روزنامه‌نگاران در سراسر دنیا از طریق رسانه‌های الکترونیکی، وبسایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی که شمارشان از پنج هزار فراتر می‌رود، با یکدیگر مرتبطند و به تبادلله معلومات و نظرات با یکدیگر می‌پردازند. در صورتی که پلان‌های انکشافی دولت در زمینه حل مشکل انرژی به ثمر برسد وزارت مخابرات به قول خود برای وصل کردن افغانستان به شبکه فایبر نوری عمل کند، طبعاً ظرفیت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی افغانستان صدها مرتبه افزایش خواهد یافت. از نظر کیفیت نیز رشد نسبتاً چشم‌گیری در رسانه‌های مختلف دیده می‌شود، بعضی از رسانه‌های تصویری بازار رسانه‌های خارجی را که از طریق

دیش یا شبکه کیبلی قابل دریافت هستند، کساد کرده‌اند، تعدادی بیننده‌ها و شنوینده‌های رسانه‌های صوتی و تصویری افغانستان یک روند رو به افزایش را نشان می‌دهد. گسترش کمی رسانه‌ها که به گسترش دامنه کار و عرصه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری انجامیده، حداقل این حسن را داشته که امروز حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور کوچک‌ترین حادثه از چشم رسانه‌ها و ژورنالیستان دور نمی‌ماند، دامنه اطلاع‌رسانی در کشور واقعاً گسترش یافته است.

طی شش سال اخیر آشنایی ژورنالیستان با پیچ و خم کار حرفه‌ای، با مهارت‌ها و شگردهای روزنامه‌نگاری بیشتر گردیده، سبک نوشتاری و نوع پرداخت به مسایل خوب‌تر و بهتر شده، زبان روزنامه‌نگاری در داخل افغانستان روان‌تر و پخته‌تر شده و مسایلی مانند اخلاق ژورنالیستی و معیارهای مسلکی در کار روزنامه‌نگاری افزایش یافته است. مهم‌تر اینکه رگه‌های تند، خشونت و بدزبانی که در سال‌های آغازین روزنامه‌نگاری جدید به چشم می‌خورد، حالا تا حدودی نرم و ملایم و منطقی‌تر شد است.

با این همه، ژورنالیزم تا رسیدن به جایگاه مسلکی، راه درازی در پیش دارد، ما هنوز در فضای نفسگیر بحران قلم می‌زنیم، نبض نوشته‌ها و فعالیت‌های رسانه‌های ما هر روز با حوادث خشونت و ناامنی می‌زند، ادامه جنگ و افزایش فعالیت‌های هراس افکنانه، فضای کار رسانه‌های افغانستان را ملتهب ساخته و مانع از تطبیق برنامه‌هایی اصلاحی و باز اندیشی روزنامه‌نگاران در کار حرفه‌ای خود شده است.

مبنای علمی ضعیف ژورنالیزم موجود که ریشه در کاستی‌های نظام آموزشی و وضعیت عمومی فرهنگ در کشور دارد، مانع از خلاقیت و پویایی بیشتر روزنامه‌نگاری و مخصوصاً شکل‌گیری ژورنالیزم تحقیقی و روشنگر شده است،

جامعه بین‌المللی به جای کمک به تقویت نهادهای آموزشی موثر و انجام یک کار بنیادی‌تر، طی شش سال گذشته، بیشترین هزینه‌ها را صرف فعالیت‌های نمادین، کار تونی و بی‌حاصلی مانند برگزاری ورکشاپ‌هایی بی‌شمار و پر مصرف کرده است.

از جانب دیگر، افزایش ناامنی‌ها و قدرت‌گیری بیشتر گروه‌ها و حلقات فشار مخالف آزادی بیان و مخالف گردش آزاد اطلاعات در جامعه، چشم‌انداز آینده را تیره ساخته است. آن چه که این بدبینی‌ها را می‌افزاید و سبب سلب اعتماد روزنامه‌نگاران نسبت به آینده می‌شود، علاوه بر اوضاع نامساعد عمومی، تلاش هماهنگ نهادهای دولتی برای محدود کردن فضای آزادی بیان از طریق ایجاد تغییرات بنیادی در قانون رسانه‌های همگانی از یکسو و خزیدن دستگاه، در پناه تفکرات معارض با ارزش‌های مدنی و فرهنگ شهروندی از سوی دیگر است، برجسته ساختن نقش دولت در عرصه رسانه‌ها و باز کردن دست نهادهای حکومتی در مدیریت رسانه‌های کشور به معنای گام‌گذاری در مسیر خلاف روند سیاسی است که شش سال پیش بر اساس فیصله نامه بن در سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شده است.

پس از سقوط طالبان و آمدن رسانه‌های جدید، بخصوص پس از آمدن تلویزیون‌های خصوصی از سال ۲۰۰۲ به بعد ناگهان در این زمینه انفجار عظیمی روی داد که چهره شهرها و رسانه‌های افغانستان را دگرگون کرد. مقدار آگهی‌ها برای کالاهای بی‌شماری که از خارج به افغانستان وارد می‌شود، و نیز معرفی کالاهای افغانستان از جمله فروش زمین، و آگهی تلفون‌های همراه بخشی از این تبلیغات است که در رادیوهای خصوصی و دولتی و همچنین تلویزیون‌های افغانستان به چشم می‌خورد. گرچه قیمت تبلیغات در افغانستان در مقایسه با کشورهای همجوار چندان بالا نیست، اما در پنج شش سال گذشته توانسته چندین ایستگاه تلویزیونی، رادیوهای محلی و چند روزنامه غیردولتی را سرپا نگهدارد.

هر ناظر مستقلی پس از مشاهده اوضاع جاری در افغانستان به نکات برمی‌خورد که بعضاً او را نسبت به آینده این کشور خوشبین و بعضاً بدگمان می‌کند. آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه‌های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت نپذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویت پایه‌های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است. درحالی‌که در اوضاع کنونی و در طی این سال‌ها این انتظار موجود بود که در عرصه‌های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه‌سامانی‌ها کارهای بزرگی انجام می‌شد اما این اهداف تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین‌کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی می‌شود.

در زیر پرچم این دولت، حاکمیت قانون گسترش نیافته، طالبان قوی‌تر شده، ناامنی و خشونت به حد اعلائی خود رسیده، فقر عمومیت پیدا کرده، بیماری سل سالانه بیست هزار نفر را قربانی می‌کند و همه ساله بر تعداد مبتلایان به این بیماری هشتاد هزار نفر دیگر افزوده می‌شود، اعتماد مردم به رئیس‌جمهور و کارایی دولت به حد صفر رسیده، فساد اداری همچنان بیداد می‌کند، افغانستان مانند یک مارکیت مال‌التجاره خارجی به بازار فروش محصولات کشورهای خارجی و بعبارت دیگر به کشور صد فیصد مصرف‌کننده بی‌خاصیت تبدیل شده، مهاجرت‌ها از سر گرفته شده و جوانان گروه‌گروه از کشور فرار می‌کنند، کار بازسازی مخصوصاً در پروژه‌های زیربنایی و عام‌المنفعه، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری، متوقف، و به یک ارمان فراموش شده مبدل گردیده است.

مجموع این فکتورها حکم می‌کند که در تشکیلات دولت باید یک خانه‌تکانی بزرگ و اصلاحات بنیادین صورت بگیرد، اما ظاهراً و متأسفانه این دولت، دولت تریاک است و اصلاح‌پذیر نمی‌باشد. می‌گویند پرابلم مواد مخدر، راه حل فوری ندارد، ولی این یک دروغ محض و ادبیات تلقین شده از سوی مافیای مواد مخدر است. اگر مواد مخدر راه حل فوری ندارد پس چرا ملا عمر توانست در ظرف چند ماه بیش از نود فیصد مزارع کوکنار را از بین ببرد؟

آیا قدرت آمریکا، ناتو و دولت افغانستان، کمتر از قدرت ملا عمر است؟

هرگاه یک دولت، اراده سیاسی، قاطعیت و صداقت داشته باشد به آسانی می‌تواند این گونه بن بست‌ها را بشکند و افغانستان را از طلسم افیونی مواد مخدر نجات دهد.

اوضاع افغانستان با وجود گذشت شش سال از سقوط طالبان و حضور نیروهای خارجی، نگران‌کننده است و ناامنی‌ها همچنان ادامه دارد. نیروهای خارجی به ویژه نیروهای انگلیسی برای تأمین امنیت خود هر اقدامی که بخواهند فراتر از وظایف انجام می‌دهند. فقدان راه‌های درآمدساز باعث شده تا مردم افغانستان بیش از پیش به کشت خشخاش روی بیاورند و همچنین نبود برنامه‌های سازنده دولت در این باره باعث شده سرریز کمک‌های مالی در عمل فایده‌ای به بازسازی و بهبود اوضاع اقتصادی نرسانده باشد.

سالها در این کشور، بلندترین صداها صدای تفنگ بود، و غیر از صدای اسلحه هر صدای دیگری به خصوص صدای مظلومیت و حق خواهی اکثریت خاموش جامعه در گلوها شکسته می شد، و طنین فریادها به گوش هیچ شنونده ای نمی رسید. همین گونه در میان کشورهای جهان، افغانستان تنها سرزمینی بود که با حجم زیاد سوژه ها، دیدنی ها، زیبایی ها و صحنه های رقت بار و غم انگیز جنگ و خشونت و ویرانی، تصویری که از آن خودش باشد نداشت و تصویرگران تنها فاتحان جنگ را چهره آرائی می کردند. رادیوهای محلی فقط اعلامیه های جنگ، و اخبار ملاقات های خسته کننده مقامات را پخش می کردند.

القاب ها طولانی، خبرها مصلحت آمیز؟! و رادیوها دستگاههای دروغ پراکنی ای بودند که صداهای شان فقط در شعاع های پنج تا ده کیلومتری قابل دریافت بود. تلویزیون چه در کابل و چه در برخی از ولایات، وضعیت بدتر از این را داشت و نه تنها، رسانه ملی، که حتی رسانه ولایتی هم نبود. تلویزیون اینه ای بود که تنها قدرتمندان و اسلحه داران و بازیگران صحنه های جنگ می توانستند چهره ها درژم و حرکات چشم و ابرو و قهرمان بازی های عجیب خود را بر صحنه آن تماشا کنند و صندوقچه ای بود جادویی و نجای تازه بدوران رسیده افغانستان، آنرا این سو و آن سو با خود حمل می کردند.

در این آیینه از تصویر چهره های تکیده مردم، و خامه های ویران و محضر آنان و اینکه چگونه برای يك لقمه نان حلال با مرگ و شمشیر دست و پنجه نرم می کنند خبری نبود. تلویزیون، گرسنه ها را نشان نمی داد، و حتی برای یکبار مصاحبه کردن، دوربین فیلمبرداران به سراغ آواره ها و بیجاشدگان جنگ نمی رفتند. و اما اکنون، دهها رادیو و تلویزیون در افغانستان، فعال و در حال نشرات است. تلویزیون های خصوصی آینه، آریانا، طلوع، افغان، تلویزیون دولتی ...، با انواع شبکه های کیبلی و ماهواره ای ...

رسانه ها ضمن برخورداري از حقوق و آزادی هایی که دارند باید اندکی مسئولیت پذیر هم باشند و رسالت رسانه های خود را در پای منافع اقتصادی تاجران و کمپنی های پول دهنده، و یا به خاطر ارضای خواسته های آنی و زود گذر يك عده قلیل، قربانی نکنند.

اینجا اگر واقعا دنبال ستاره می گردند باید در عرصه های صلح، تربیت، بازسازی، امنیت، ورزش، فرهنگ و ادب و ... تبلیغات کنند و به کشف ستاره های ناشناخته بپردازند. با برنامه های هاپ نمی توان به موسیقی اصیل افغانستان خدمت کرد، امروز از برکت همین رسانه ها، موسیقی، هنر و سینمای نوین افغانستان در زیر فشارهای سنگین موسیقی و فیلم های مبتذل و غیر مبتذل هندی در حال نزع و جان کندن است. به نظر می رسد اکثر رسانه های چاپی، صوتی و تصویری افغانستان به يك تجدید نظر ملی و مدیریت سالم و با کفایت نیاز دارد تا پیش از این در گرداب پوچیسیم و بیهوده گرایی غرق نشوند.

آسیا تایمز در یادداشت تحلیلی زیر عنوان (جنگ تسخیر وسایل ارتباطی افغانستان) مینویسد:

جامعه بین المللی وجود مطبوعات آزاد و کارآمد را به عنوان یکی از مهمترین اولویت های بازسازی افغانستان که به دلیل جنگ های طولانی داخلی، فقیرترین و جنگ زده ترین کشور دنیا به حساب می آید به رسمیت شناخته اند. با این حال اهداکنندگان بین المللی این حقیقت را پذیرفته اند که به خاطر شرایط خاص افغانستان باید کمی از انتظارات و توقعاتشان بکاهند و به واقعیت های موجود تن بدهند. در سال ۲۰۰۲ زمانی که کشورهای مختلف جهان ۲/۵ میلیارد دلار برای کمک به افغانستان در نظر گرفتند قرار بر این شد که ۸/۳ میلیارد آن به شکل کمک های غیر نقدی و تجهیزات امکانات باشد.

در این کمک های غیر نقدی تجهیزات رسانه ای هم در نظر گرفته شد اما در اولویت دوم قرار گرفت. میلیون ها دلار از پایان جنگ تاکنون صرف اصلاح یا ایجاد رسانه ها شده اما پول به تنهایی قادر نبود معضلات لوژستیک و اساسی و اختلاف فاحش در دیدگاه های فلسفی را از سر راه بردارد.

تا به حال ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان، هالند، دانمارک و سایر کشورها، همچنین ادارات مختلف سازمان ملل از جمله یونسکو (اداره فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل) میلیون ها دلار برای پا گرفتن رسانه ها در افغانستان صرف کرده اند. به دلیل تعدد پروژه ها و تلقین های مختلف از تعریف رسانه ها (به عنوان مثال از میان پروژه های بازسازی انسان دوستانه بخشی به زیرساخت های رسانه ای مربوط می شود) محاسبه و ارزیابی عملکرد و تاثیر کمک های مالی و غیر نقدی به ویژه در مسائل رسانه ای بسیار دشوار است و نمی توان با آمار و ارقام نشان داد که چه بخشی از این کمک ها مستقیماً برای تقویت رسانه های محلی افغانستان صرف شده است.

نوح میلر مدیر مالی موسسه «اینتر نیوز افغانستان» - یکی از NGO های رسانه ای که در ایالات متحده مستقر است، تحقیقی را برای «مرکز تحقیق سیاستگذاری ارتباطات استانبول (در لندن)» در مورد پیشرفت رسانه ها در افغانستان انجام داد. در گزارش میلر به استناد بانک اطلاعاتی «مرجع هماهنگی کمک های مالی به افغانستان» آمده است که ۳۱ پروژه با بودجه ۸/۵۶ میلیون دلار به زیرساخت های رسانه ای اختصاص یافته است اما جوامع بین المللی ۸/۲۹ میلیون

دالر تعهد کرده اند و از این مبلغ فقط ۷/۴ میلیون دالر به حساب ریخته شده و مسئولان، حق برداشت دارند. علاوه بر این گزارش میلر نشان می دهد که از این مقداری که به حساب ریخته شده ۲۲/۲ میلیون دالر فقط صرف تجهیزاتی شده است که در اثر بمباران هوایی در سال ۲۰۰۱ دچار خسارت شده اند و یا صرف پخش برنامه های رادیویی عملیات امداد رسانی یا پخش برنامه های لویه جرگه شده که نقش مستقیم در توسعه اطلاع رسانی و ایجاد اتاق خبر و شبکه خبری نشده است. از زمان گزارش میلر مدتی می گذرد و ممکن است در این فاصله کمک های بیشتری به حساب ریخته شده باشد، اما به هر حال چون فاصله زمانی میان درخواست و تامین مالی بسیار زیاد است و از سویی به دلیل معضلات عدیده پیشرفت پروژه ها بسیار کند است نمی توان ارزیابی و محاسبه پیشرفت کارها را بر اساس بودجه ای که اهداکنندگان اختصاص داده اند قرار داد.

در یک بار قوایی آمریکا ۲۰۰ هزار رادیوی ترانزیستوری رایگان در اختیار افغان ها قرار داد که این خود نشان می دهد تا چه حد نیازهای اساسی و پایه مردم افغانستان با سایر کشورهای آسیای مرکزی و حتی کشورهای در حال توسعه آفریقایی تفاوت دارد.

در حالی که فقط ۳۶ درصد نفوس افغانستان سواد خواندن و نوشتن دارند و به خاطر ضعف شدید زیرساخت ها، طبیعی است که مهمترین رسانه مورد استفاده مردم افغانستان رادیو است. هنوز اکثر مناطق از موهبت برق و در نتیجه امکان بهره مندی از تلویزیون محرومند بنابراین دسترسی به اکثریت مردم افغانستان از طریق تلویزیون، گزینه اصلی نمی تواند باشد. حدود ۳۷ درصد نفوس (۵/۷ میلیون افغانی) به رادیو گوش می دهند. تحقیق و نظرسنجی «اینتر نیوز» نشان می دهد که فقط ۲۴ درصد از روستاها بی افغانستان مخاطب رادیو یا تلویزیون محلی هستند و اکثر خانواده ها برق ندارند و معلوم نیست چه تعداد به رادیو یا بطری دسترسی دارند. علاوه بر سیستم پخش دولتی اصلاح شده، رادیو آرمان به عنوان اولین ایستگاه رادیویی مستقل از سال ۲۰۰۳ راه اندازی شد. به گزارش خبرنگاران بدون مرز عده ای از محافظه کاران سنت گرا از «خنده دختران جوان» به خشم آمده اند. با این حال این ایستگاه رادیویی در افغانستان که به زعم یکی از خبرنگاران رادیو محور است، از محبوبیت خاصی برخوردار شده است. موسسه اینتر نیوز به کمک یک اداره آمریکایی ۱۴ ایستگاه رادیویی در افغانستان راه اندازی کرده است.

حمایت هایی نیز از طرف آلمان ها برای انجام و نشر فعالیت های موسوم به «نظرات رسانه ای» صورت گرفته، این فعالیت ها شامل ردیابی نقض آزادی بیان و مطبوعات، توسعه جوامع رسانه ای و خدمات عمومی است. اینتر نیوز یک برنامه تحقیقی را انجام داد تا مشخص شود صدای این رادیوها و ردیابی ایستگاه های اینتر نیوز تا چه اندازه در افغانستان قابل ردگیری است. این تحقیق نشان داد که تفاوت چشمگیری میان مناطق شهری و روستایی وجود دارد. در حال حاضر رادیو آمریکا، رادیو آزادی اروپا، بی بی سی، دوپچه و له جای پای محکمی در افغانستان پیدا کرده اند. مرکز رسانه ای بالتیک نیز گزارشی تحت عنوان «چشم انداز رسانه ای افغانی» منتشر کرده است. بر اساس گزارش این مرکز که پایگاه آن در دانمارک است - «ایستگاه های رادیویی بین المللی تلاش می کنند تکثرگرایی را در کشوری دامن بزنند که رسانه های خصوصی در آن به ندرت توان کافی برای بقا دارند.» این گزارش به این حقیقت اشاره کرده است که بدون یک اقتصاد و تجارت شکوفان در افغانستان مهمترین راه تغذیه رسانه ها، یعنی آگهی تجارتي و تبلیغات، رونق نخواهد گرفت و از سویی پروژه های بین المللی [رادیوهای پرآوازه] امکان جان گرفتن رسانه های داخلی در افغانستان را تضعیف خواهد کرد.

این گزارش نتیجه گیری کرده است که «رقابت شدید رادیوهای بیگانه برای رادیو افغانستان و شرکت های خصوصی افغانی تهدید محسوب می شوند.» بعضی از این دغدغه ها پایه و اساس ندارد. اگرچه رادیوهای بیگانه مخاطبان قابل توجهی دارند اما بر اساس نتایج تحقیقات موسسه اینتر نیوز از میان نظرسنجی به عمل آمده از صاحبان ۲ هزار رادیو مشخص شده است که ۸۰ درصد از آنها دو رادیوی مستقل افغانی را ترجیح می دهند که مخلوطی از موسیقی های افغانی، هندی و غربی را با برنامه های خبری پخش می کنند.

در میان نهادهای مدنی، آنهایی که با رسانه ها سروکار دارند با این حقیقت مواجه شده اند که در افغانستان روزنامه یا خبرنگاری حرفه پیش پا افتاده و حفاظت شده ای نیست. در گزارش سالانه خبرنگاران بدون مرز «جنگ سالاران و سنت گرایان و طالبان» به عنوان دشمنان قدیمی مطبوعات در افغانستان معرفی شده اند. کمیته حفاظت از خبرنگاران نیز موارد بسیار زیادی از تهدید و ارباب و حتی قتل خبرنگاران افغانی را به خاطر انجام شغلشان گزارش کرده است. با در نظر داشت گذشته افغانستان که در آن حقوق زنان پایمال شده است، اهداکنندگان بین المللی تمرکز خود را بر ایجاد ظرفیت در زنان و افزایش دسترسی آنان به آموزش های خبرنگاری و پخش تلویزیونی قرار داده اند. نظرسنجی ها و تحقیقات موسسات مختلف از جمله اینتر نیوز نشان می دهد که گوش دادن به رادیو در افغانستان بیشتر در میان مردان رایج است و معمولاً برنامه های جالب زمانی از روز پخش می شوند که چندان مناسب نیست و در آن هنگام بسیاری از مخاطبان مشغول به کارند. در افغانستان تغییرات، هر چند به کندی آغاز شده است زنان به تدریج برای رسانه های ملی

کار می کنند و دست کم چهار ایستگاه رادیویی که به ویژه توسط زنان اداره می شود و به مسائل زنان هم می پردازد در شهرهای کابل، مزار شریف، جبل سراج و هرات راه اندازی شده اند. اما به دلایل گوناگون هر یک از این ایستگاه ها فقط چند ساعت در روز فعال هستند و برای پخش برنامه های خود مجبورند بر نیروهای مخالف متعددی فائق آیند.

«آینه» سازمانی است که مقر آن در پاریس است و توسط عکاسان مطبوعاتی ایرانی در سال ۲۰۰۱ تاسیس شده و در افغانستان آزادی بیان و مطبوعات را پیگیری می کند. سینمای آموزشی سیار در افغانستان دایر کرده و اولین ایستگاه رادیویی زنان و اولین مدرسه عکاسی مطبوعاتی را در افغانستان راه اندازی کرده است.

موسسه «گزارش جنگ و صلح» - یک NGO در لندن نیز گزارش دربارۀ بهبود وضع افغانستان که توسط خبرنگاران محصل نوشته و منتشر میشود. تلاش ها برای گسترش برنامه های تلویزیونی به دلیل واقعیت های موجود در افغانستان با توفیق چشمگیری روبه رو نشده است.

به عنوان مثال در جنوری سال ۲۰۰۳، ستره محکمه با تاسیس تلویزیون های کیبلی در افغانستان به دلیل «صحنه های مستهجن» و «ضداسلامی» مخالفت کرد. وزارت عدلیه نیز «صدای زنان افغانستان» را خلاف شرع شناخته است. اما از اپریل سال ۲۰۰۳ با تلاش های عناصر و نیروهای لیبرال در دولت کرزی شبکه های تلویزیونی کیبلی دوباره فعالیت خود را آغاز کردند. هنوز به طور رسمی آواز خواندن زنان در رادیو و تلویزیون قدغن است، اما اکثر رادیو ها به این قوانین بی اعتنا هستند.

مخاطبان برنامه های کیبلی از صد هزار نفر تجاوز نمی کند و اکثر برنامه های آن فقط جنبه سرگرمی دارند. به گزارش مرکز رسانه ای بالتیک در دانمارک از زمان بازسازی و آغاز اصلاحات در افغانستان، حرکت به سمت آزادی بیان و مطبوعات در این کشور با سرعت بیشتری نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی در جریان است. دلایل قانع کننده ای برای خوشبین بودن وجود دارد. یکی این که وزرای که به نوعی با رسانه ها در ارتباطند به دلیل زندگی در غرب به این درک رسیده اند که استقلال مسوولین و متصدیان رسانه ها بسیار پراهمیت است. دلیل دیگر آن این است که اهداکنندگان و کمک کنندگان بین المللی برخلاف بالکان و کشورهای آسیای مرکزی، در افغانستان کمک های خود را مشروط و منوط به رسیدن رسانه های افغانی به استانداردهای غربی نکرده اند. بلکه تاکید آنها بر استقلال مدیریت در رسانه های افغانی بوده است.

اختلاف نظر در مورد رسانه ها بازتابی از مسائل تفرقه آمیز در مقیاس بزرگ تر در جامعه است. عده ای از مقام های رسمی به دنبال آزادی رسانه ها هستند اما عده ای دیگر به دنبال محدود کردن آنها هستند. متأسفانه آنانی که به دنبال آزادی بیان و مطبوعاتند تلاش می کنند رسالت ها و مأموریت های خاصی را به رسانه ها تحمیل کنند. رادیو و تلویزیون افغانستان از سوی بزرگ ترین حامی استقلال مسوولین است و از سوی مجبور به رعایت قوانین خشکی هستند که به اسلام و شرع نسبت داده می شود.

خبرنگاران بدون مرز میگویند، اختلاف شدید سیاسی میان خبرنگاران تجددگرا و خبرنگاران سنت گرا و باقی مانده های حاصل از دوران تسلط شوروی مانع به وجود آمدن اتحادیه خبرنگاران مستقل یا انجمن صنفی خبرنگاران در افغانستان شد. خبرنگاران بدون مرز می گویند یکی از مهمترین مشکلات بر سر راه توسعه رسانه ها در افغانستان سوءاستفاده طالبان و جنگ سالاران افراطی از رسانه ها برای رسیدن به اهداف سیاسی بوده است. خبرنگاران بدون مرز شواهد و مدارک بسیار متعدد در اختیار دارد که فرقه ها و گروه های مختلف در افغانستان به تهدید، ارعاب، قتل و سرکوب خبرنگاران پرداخته اند. به عنوان مثال مجاهدین مسلح در جلال آباد به یک ایستگاه رادیویی فشار وارد آورده اند که چرا در رادیو پوشش خبری مناسبی از این مجاهدین به عمل نمی آید. کشور جنگ زده افغانستان یک سیستم بسیار موثر، بادوام و قابل اعتماد برای نشر اخبار و اطلاعات دارد و آن مساجد افغانستان هستند.

در حالی که مردم افغانستان رادیو و برق ندارند مطالعات مرکز مک مستر کانادا که صلح و برنامه های آموزشی مربوط به آن را مورد تحقیق قرار می دهد، نشان می دهد که به ازای هر ۵۰ خانوار یک مسجد وجود دارد در حالی که روستاهای بی شماری در افغانستان به هیچ وجه مدرسه ندارند. مک مستر به این نکته تاکید دارد که مسجد یکی از فعال ترین نهادهای ارتباطی در افغانستان است که قادر است به صورت خودجوش و داوطلبانه جوامع را شکل داده، اداره کرده و مورد حمایت قرار دهد و تمام مخارج آن به صورت داوطلبانه تأمین می شود. علاوه بر مسجد راه دیگر انتشار اخبار، بازارهای سنتی افغانستان، مراسم عروسی و سایر مراسم مذهبی است. اگرچه از لحاظ تکنالوژی پیشرفته نیست اما مورد وثوق و اعتماد مردم است و نیاز به آموزش های پیشرفته و ویژه غربی ندارد و قابلیت دستیابی آن بسیار بالا است.

افغانستان با سقوط طالبان، شاهد تحولاتی در همه عرصه ها و بویژه در حال تجربه رقابت های رسانه ای بوده است. حضور رسانه های غیر حکومتی بویژه تلویزیون های خصوصی، نمودی از این دست می باشد. همزمان با فروپاشی و سرنگونی امارت طالبان، اولین تلویزیون خصوصی که پا به عرصه وجود گذاشت، شبکه تلویزیون افغان

بود. احمد شاه افغان زی رییس و بنیان گذار این تلویزیون، یک سرمایه گذار است که از پول شخصی خود اقدام به راه اندازی این شبکه خصوصی نموده است.

هر چند تلویزیون افغان نخستین تجربه تلویزیون های خصوصی در افغانستان است، ولی این تلویزیون با وجود امکانات محدود توانست به پخش برنامه ها بپردازد. نشرات این تلویزیون عمدتاً به پخش آهنگ های هندی و خارجی محدود بوده، و در این اواخر یک تعداد از سریال های شبکه های تلویزیونی هندوستان را نیز شامل جدول نشرات خویش نموده است.

دومین تلویزیون خصوصی که در بستر رسانه های افغانستان آغاز به فعالیت نمود، شبکه تلویزیون آینه می باشد. این تلویزیون با حمایت مالی و خدمات فنی دولت ترکیه آغاز به فعالیت کرده، و از حمایت جنرال عبدالرشید دوستم برخوردار می باشد. تلویزیون آینه بیشتر به نشر و پخش آهنگ های ترکی، ازبکی، تاجیکی، دری و پشتو پرداخته و در تهیه برنامه ها در میان تلویزیون های خصوصی از جایگاه خوبی برخوردار است. شبکه ی طلوع، سومین تلویزیون خصوصی در افغانستان است. این شبکه در اکتبر سال ۲۰۰۴، در شهر کابل تاسیس شد. طلوع تا اکنون در بیش از چهارده ولایت، و از طریق ماهواره در سراسر آسیای میانه و بخش عمده ای از خاورمیانه قابل دریافت است. این تلویزیون از کابل به طور ۲۴ ساعته فعال بوده و نشرات این تلویزیون بیشتر جنبه تجارتي دارند.

با راه اندازی تلویزیون آریانا واقعاً شاهد پخش و نشر برنامه های جالب و دیدنی در سراسر دنیا بوده ایم. تلویزیون آریانا در بخش امکانات و تکنالوژی معلوماتی و حمایت مالی، مقام نخست را دارد و یکی از محدود تلویزیون های بیست که بیشتر روی خود، و نه پیام های تجارتي اتکا داشته است.

احسان الله بیات به نمایندگی از تلویزیون آریانا و بنیاد بیات، با اهدای جایزه حقوق بشر مورد ستایش رییس جمهور کرزی قرار گرفت. دیدگاه، حقیقت، گلبرگها، آریانا در نیمه روز، شما و آریانا، دعوت هنرمندان از خارج کشور، سریال های هندی، راز تصویر، سرک بی سر، از هنرناهنرمند، گزارشهای ولایتی، انتخاب بیننده و اخبار ساعت هشت این شبکه، از جمله برنامه های پر بیننده آن می باشند. شبکه جهانی آریانا با وجود کاستی ها و نارسایی ها ی معین، یکی از بهترین های کنونی صوتی و تصویری در داخل و خارج از کشور است. (اگر آریانا مایل باشند حاضر یک سلسله کمپودی هارا دوستانه با ایشان در جریان بگذارم) در فضای موجود بر رسانه های دیداری افغانستان، ضرورت یک رسانه که بیشتر به زبان پشتو نشرات داشته باشد، محسوس بود. با راه اندازی پنجمین شبکه تلویزیون خصوصی شمشاد، این خلأ پر گردید. تلویزیون شمشاد که بیشترین نشرات خود را به زبان پشتو اختصاص داده است، به نشر آهنگ های پاکستانی، هندی و افغانی بیشتر پرداخته، و برنامه های خوب سیاسی را نیز راه اندازی نموده است.

این تلویزیون بیشتر از حمایت رده های بلند حکومتی برخوردار بوده، و بیشتر تحت حمایت و ترغیب دولت افغانستان قرار دارد. موضع گیری شمشاد در جنجال پیش آمده میان لوی خانونال و تلویزیون طلوع را، می توان از بارزترین نمود این حمایت نام برد. به دلیل انتقاد های شدید از تلویزیون طلوع به سبب نشر بیشتر برنامه ها به زبان دری، این تلویزیون اقدام به ایجاد ششمین ایستگاه تلویزیون خصوصی نمود. لمر ششمین تلویزیون خصوصی است، که در خانواده رسانه ها تولد یافت. این تلویزیون متعلق به مجموعه رسانه ای تلویزیون طلوع و آرمان اف ام می باشد، که بیشتر به زبان پشتو نشرات داشته و بخشی از برنامه های شبکه تلویزیونی الجزیره را نیز در نشرات خود جا داده است. هر چند لمر در نشر برنامه های تلویزیون الجزیره با مخالفت های جدی دولت روبرو گردید، اما این مشکل به زودی حل گشت.

هفتمین تلویزیون خصوصی، تلویزیون تمدن می باشد که در حال حاضر به نشرات امتحانی خود می پردازد. این شبکه با حمایت مالی شیخ آصف محسنی بنیانگزار شده، و با شعار آرزوی اکثریت خاموش به بازار رسانه ای افغانستان قدم گذاشته است.

با این که شمار قابل ملاحظه ای از تلویزیون های خصوصی وارد عرصه ی فعالیت های رسانه ای افغانستان شده اند، اما با نگاه ژرف بر نشرات آنها متوجه کاستی های نشراتی درین رسانه ها می شویم. این کاستی ها، تلویزیون های خصوصی را دچار وابستگی و پخش و نشر برنامه های تلویزیون های خارجی نموده است. نیاز افزوده شدن تعداد رسانه ها در افغانستان حال بیشتر محسوس نیست. بلکه آنچه بینندگان نیاز دارند، تولید برنامه های تلویزیونی است که تا حالا تلویزیون های افغانستان فاقد آنها هستند. در مورد تلویزیون ملی گفتنی های زیادی وجود دارد. وابستگی های ظاهر و پنهان رسانه های صوتی، تصویری و چاپی در کشور مشکلی دیگری است که از محبوبیت و شهرت این رسانه ها باگذشت هر روز کاسته میشود.

در اقدام بعدی تلاش خواهیم کرد تا بصورت دقیق و همه جانبه اوضاع رسانه ی کشور و بیرون از کشور را به بررسی خواهیم گرفت.

چشم دید گزارشگران بدون مرز از آزادی مطبوعات در افغانستان (۲۰۰۷)

هم اکتون در سراسر جهان ۱۳۰ روزنامه نگار برای انجام وظیفه خود و مطلع کردن ما در زندان بسر می برند. این آمار متأسفانه در طی سالهای اخیر کمتر تغییر کرده است. در جهان تعدادی نزدیک به ۳۰ دولت روزنامه نگاران مخالف را زندانی می کنند، برای رهبران و ایس گرای این کشورها زندان تنها پاسخ به انتقادات مردان و زنان مطبوعاتی است.

در افغانستان آزادی مطبوعات یکی از نادر دستاوردهای پنج سال گذشته در بعد از سقوط طالبان است. اما این دستاورد واقعیتهای شکننده است. وخامت وضعیت امنیتی، تهدیدهای جنگسالاران، روحانیون محافظه کار و قدرت حاکمه ای که هر روز ضعیف تر می شود، بردوش روزنامه نگاران سنگینی می کنند. در اکتبر ۲۰۰۶ نویسنده و همکار یک هفته نامه با شکایت وزیر ارتباط با پارلمان دستگیر شد.

محمد حسن ولسمل، مدیر افغان ملی جریده، در این باره می گوید: آزادی مطبوعات به محض سخن گفتن از یک رهبر جنگ سالار به پایان می رسد. مسئول انجمن روزنامه نگاران مستقل افغانستان معتقد است که کسانی که از سوی محافظان شخصی محافظت می شوند به آزادی بیان اعتقاد ندارند و سعی دارند سانسور و خودسانسوری را به روزنامه نگاران تحمیل کنند. شرایط شکننده و افزایش حملات انتحاری در شرق و جنوب افغانستان کار اطلاع رسانی را هر روز دشوارتر می کند. در جنوری، عبدالقدوس، فیلمبردار و راننده شبکه آریانا در یک عملیات انتحاری کشته شد. عکاس- خبرنگار ایتالیایی گابریل تورچه لو به مدت سه هفته توسط مردان مسلحی در قندهار ربوده شد. دو خبرنگار آلمانی در اکتبر در شمال کابل به قتل رسیدند. تائید قتل این روزنامه نگاران به علت فعالیت حرفه ای شان دشوار است. در پشت آمار رسمی اطمینان بخش ۴۰۰ نشریه، ۵۰ رادیو خصوصی، ۵ سرویس خبرگزاری و ۶ شبکه تلویزیونی، واقعیتهای متضاد نهفته است.

اکثریت این نشریات هفته نامه هایی با تیراژ محدود هستند. در نوامبر یکی از نشریات مستقل کابل به علت نداشتن درآمد از طریق تبلیغات انتشارش متوقف شد. در مزار شریف روزنامه بازتاب به علت ناتوانی در بیشتر کردن تعداد پخش خود تعطیل شد. افزایش رادیو و تلویزیون خصوصی تأثیری واقعی در چگونگی مطلع شدن افغان ها داشته است. امری که زرغونه صابر در باره ی آن می گوید: رسانه ها برنده ی این بخش هستند. مردم فهمیدند که جنگسالاران چه کسانی هستند و رسانه ها قدرتمندتر شده اند. تلویزیون های خصوصی هدف حمله اولیه محافظه کاران هستند، در جنوری شبکه افغان تی وی برای پخش فیلم های هندی و ویدیوهای غیر اسلامی، محکوم به پرداخت هزار یورو شد. احمد شاه افغانزی مدیر این شبکه، قانون جدید رسانه ها، که با آن می توان با تشکیل کمیسیونی رسانه ها را بدون حضور در برابر دادگاه جریمه کرد، مورد انتقاد قرار می دهد. نمایندگان محافظه کار مجلس گروه ی از شبکه طلوع تی وی را مورد تهاجم قرار دادند، این شبکه تصاویری را از نمایندگان خواب آلود در پارلمان نشان داده بود. ماه پیش از آن نیز سیاف یکی از جنگسالاران، مردان اش را برای حمله به یک اکیپ طلوع تی وی در نزدیکی کابل فرستاده بود. در سال ۲۰۰۶ دست کم ۲۰ خبرنگار توسط سیاستمداران و یا نزدیکان آنها مورد تهاجم قرار گرفته و یا تهدید به مرگ شده اند.

در چندین ایالت در جنوب کشور، درندگان آزادی مطبوعات، طالبان، هستند که قدرت را در دست دارند. در پایان ماه نوامبر آنها دو روزنامه نگار پاکستانی را در هلمند که از آنها مجوز ورود نگرفته بودند، به مدت دو هفته در بازداشت نگاه داشتند. در آغاز سال جدید میلادی یک از رهبران نظامی طالبان هشدار داده بود که: من می خواهم بگویم اگر روزنامه نگاران از اخبار غلط ناتو استفاده کنند آنها را مورد هدف قرار می دهیم ما شرعاً حق داریم آنها را بکشیم. مسعود قیام مدیر طلوع تی وی در این باره می گوید: آنها نیاز دارند کسانی که انتقادات آنها نسبت به دولت را پخش کند آنها به خوبی می دانند که تبلیغ نقشی عمده در این جنگ دارد حضور افزایش یابنده ی طالبان در رسانه ها باعث شده است تا مقامات امنیتی برخی سانسورها را اعمال کند. در ماه جنوری مدیران رسانه های عمده برای دریافت لیست ۲۴ مورد ممنوعه در اطلاع رسانی احضار شدند. این سند که از جمله داشتن رابطه با طالبان، انتشار اخبار مغایر با سیاست خارجی کشور و یا نیروهای متحد بین المللی را ممنوع می کرد، توسط مطبوعات رد شد.

مقامات امنیتی به روزنامه نگاران دستور داده بودند که از بکارگیری اصطلاح جنگ سالار خوداری کنند اما در عوض از تلاش های اردوی افغانستان حمایت کنند. علیرغم سرو صدایی که این سند به راه انداخت اما حامد کرزی تأیید کرد که از سوی تهیه کنندگان این سند مورد مشورت قرار گرفته است، چرا که به نظر وی برای امنیت ملی باید مواردی را به حساب آورد. تدوین سومین قانون مطبوعات در کشوری که با قوانین اسلامی هدایت می شود، چهارچوبی نسبتاً آزاد را به گسترش مطبوعات اهدا می کند. اما پارلمان و به ویژه ولسی جرگه که محافظه کاران در آن اکثریت را دارند تبصره هایی آزادی ستیز را آماده کرده است.

اینگونه کمیسیون امور دینی و فرهنگی آن رجوع به احکام اسلامی را افزایش داده است و انتشار اخبار مغایر با ثبات، امنیت ملی و تمامیت ارضی را ممنوع کرده است. این سند که در آغاز سال ۲۰۰۷ می تواند به پارلمان معرفی شود، تبلیغ برای مذهب جز اسلام را در مطبوعات ممنوع کرده است. گزارش سال ۲۰۰۸ گزارشگران بدون مرز

در کشوری هستیم که از يك طرف آزادی را به روی بخشی از جامعه و رسانه های مستقل می بندند و از طرفی دیگر ادارات امنیتی و محاکم، دست اندرکاران رسانه ها را ظالمانه و جبارانه به زندان ها و محاکمه های غیر عادلانه کشانده، تنیه و به اعدام محکوم مینمایند. این عملکردها نشان می دهد کسانی در کشور ما بر مقتدراتی حاکمند که اعمالشان هیچ معنایی جز بلاهت ندارد.

مطبوعات زبان مردم و چشم مسوولان است. در جامعه ما این حکومت است که بر مطبوعات نظارت دارد، در حالی که فلسفه اصلی مطبوعات این است که آن ها ناظر بر حکومت باشند.

در اثر جنگ بیش از پیش خشونت افزایش یافته و برای دفاع از روزنامه نگاران مشکل فراوانی وجود دارد. طالبان دو همکار یک گزارشگر ویژه ایتالیایی را ربوده و سپس به قتل رساندند و به مراکز بسیاری از رسانه ها حمله کردند. دستگاه قضایی یک روزنامه نگار جوان را به اتهام توهین به اسلام به اعدام محکوم کرده است. نیروهای امنیت ملی در طی سال گذشته به آزار و اذیت روزنامه نگاران منتقد ادامه دادند. در ۲۷ حوت مردان مسلح ملا دادالله یکی از شرورترین فرماندهان طالبان، سید آقا درپور و راهنمای ۲۵ ساله روزنامه نگار ایتالیایی دانیل ماسترجیاکومو و در تاریخ ۱۹ حمل اجمال نقشبندی روزنامه نگار ۲۵ ساله افغانی را به اتهام جاسوسی محاکمه و گردن زدند. گزارشگر روزنامه لارپولیکا با دخالت دولت ایتالیا و مذاکره برای آزادی وی در معاوضه با پنج زندانی طالبان آزادی شد. هر سه نفر روز ۱۵ حوت در هلمند ربوده شده بودند. سرنوشت همکاران افغان این روزنامه نگار خارجی نشانگر وخامت وضعیت روزنامه نگاران در جنوب و شرق افغانستان است که در سال ۲۰۰۷ در اثر جنگ هزاران نفر از مردم جان خود را از دست داده اند. اجمال نقشبندی در حالی کشته شد که روزنامه نگاران و سازمان های بین المللی خارجی، و روزنامه نگاران افغانستان از طالبان خواهان رهایی وی شده بودند. سید آقا راننده و مترجم ۲۵ ساله دانیل ماسترجیاکومو با بسیاری از خبرنگاران خارجی در هلمند همکاری داشت. از جمله با توماس کوگلان گزارشگر روزنامه ی انگلیسی دیلی تلگراف، وی در باره ی سید آقا می گوید: سید آقا جوانی آرام، فعال و مودب بود. بدون وی که اصلیت قبیله ای و محلی داشت انجام مصاحبه ناممکن بود و این کاری بس خطرناک بود. با آنکه امکان رفتن به کابل و زندگی در امنیت را داشت، داوطلب بودن وی برای پذیرش چنین خطری به سختی قابل فهم بود، و برای کسانی چون سید که به همکاری با خارجی ها معروف بودند این خطری دائمی بود که زندگی را تهدید می کرد. او به خوبی بر این امر آگاه بود. وابستگی های محلی اش و روابط شخصی با طالبان شکلی از حمایت را برای وی به وجود می آورد اما همانگونه که خودش تصدیق می کرد اگر زمانی کسانی می خواستند آسیبی به وی برسانند این کار به راحتی ممکن بود.

با در کنترل داشتن چند ولایت، افراد ملا عمر رهبر اصلی طالبان در سال ۲۰۰۷ چندین روزنامه نگار را دستگیر کردند. در آغاز این سال یک گروه از خبرنگاران شبکه الجزیره و دو گزارشگر پاکستانی توسط طالبان دستگیر و سپس آزاد شدند. حمله به رسانه ها از سوی طالبان افزایش یافته است از جمله می توان حمله با استفاده از راکت را به ایستگاه رادیو ملی پیغام در ولایت لوگر نام برد.

قتل ذکیه ذکی یکی روزنامه نگار صدای صلح: قتل ذکیه ذکی یکی از چهره های برجسته ی روزنامه نگاری مستقل افغانستان در تاریخ ۱۵ جوزا ۱۳۸۶ در جبل السراج حرفه کاران رسانه ها را نگران کرد. در شبانگاه ۱۵ جوزا دو مرد مسلح ناشناس وارد خانه ی این روزنامه نگار شده و با فیر هفت گلوله در پیش چشمان پسر دو ساله اش وی را تیر باران کردند. در آغاز پولیس ۶ نفر را در این رابطه دستگیر کرد که چهار نفر از آنها با نبود مدرکی دال بر دست داشتن در قتل بلافاصله آزاد شدند.

مقامات رسمی، طالبان را به ارتکاب این قتل متهم کرده اند، اما خانواده و همکاران روزنامه نگار به قتل رسیده انگشت اتهام را به سوی جنگ سالاران محلی نشان می روند، که در برنامه های حقوق بشر این روزنامه نگار در رادیو مورد انتقاد قرار می گرفتند. چند هفته پس از ذکیه ذکی فریده نیکزاد یکی از مسوولین خبرگزاری مستقل پژواک که در باره ی قتل همکارش تحقیق می کرد، از سوی افراد ناشناسی مورد تهدید قرار گرفت که به وی سرنوشت رئیس رادیو صدای صلح را وعده می دادند. قتل ذکیه ذکی در زمانی روی داد که تنش شدیدی میان همکاران رادیو صدای صلح با برخی مسوولان محلی به وجود آمده بود.

يکي از خبرنگاران اين راديو عبدالقدوس در اواسط دلو بعد از يازده ماه بازداشت موقت آزاد شده است. وی در پی شکایتي از سوی نماینده مجلس سیما سادت به اتهام تهدید به قتل دستگیر شده بود. شورایی از ریش سفیدان از وی خواسته است که نه با مطبوعات موضع را در میان بگذارد و نه از نماینده تقاضای غرامت کند. سیما سادت رقیب انتخاباتی زکیه زکی در آخرین انتخابات پارلمان (ولسی جرگه) بود. این نماینده مجلس تلاش کرده بود تا راديو صدای صلح را که ایزاری در دست رقیب سیاسی می پنداشت تعطیل کند.

پولیس نتوانست به شکل کامل بر قتل شکیبا آماج خبرنگار جوان تلویزیون خصوصی شمشاد روشنی افکند. گرداننده برنامه مهمان شام و نطق پشتو، برای تلویزیون شمشاد گزارش نیز تهیه می کرد. وی در تاریخ ۹ جوزای در منزل مسکونی خود زمانی که همه ی اعضای خانواده اش نیز حضور داشتند به ضرب گلوله کشته شد. مقامات دولتی و خانواده این روزنامه نگار امکان قتل وی را به دلیل مشکل فامیلی رد نکرده اند. محکومیت به مرگ برای یک روزنامه نگار و بازداشت گزارشگران مستقل.

یک روزنامه نگار به اتهام توهین به اسلام به مرگ محکوم شده است. سید پرویز کامبخش که در تاریخ ۵ عقرب ۱۳۸۶ در بازداشت بسر می برد، از سوی خرنوال و محاکم بلخ متهم به انتشار مقاله ای کفر آمیز شده است. این روزنامه نگار نوشته ای به نام آیات زن ستیز در قرآن را از روی سایت های اینترنتی برگرفته بود. در تاریخ ۲ دلو ۱۳۸۶ از سوی دیوان امنیت عامه محکمه ابتدایی ولایت بلخ، به شکل غیر علنی و بدون حضور وکیل مدافع به اتهام اهانت به دین اسلام و پخش مقاله ای کفرآمیز به حکم اعدام محکوم شد.

این حکم که از سوی شورای علمای بلخ خواسته شده بود در عین حال به قصد ترساندن برادر این روزنامه نگار جوان یعقوب ابراهیمی که گزارشات و مقالاتی در باره نقض حقوق بشر در شمال کشور به نشر می داد صادر شده است. اغلب موارد وقتی دولت مورد انتقاد قرار می گیرد از اتخاذ معیارهای مشاجره برانگیز نسبت به رسانه ها دریغ ندارد. در (جنوری ۲۰۰۷) روزنامه نگار مستقل ثواب نیازی از سوی امنیت ملی به اتهام داشتن رابطه با سخگوی طالبان بازداشت شد. این روزنامه نگار در محکمه ی به یک سال زندان محکوم شد. مقامات مسئول در ماه اسد در پی اعتراضات متعدد نهادهای داخلی و خارجی مجبور به آزاد کردن وی شدند. در ماه حمل دهها مامور پولیس بدستور لوی خرنوال برای دستگیری روزنامه نگار حامد حیدری و مسئول شبکه تلویزیونی طلوع به دفتر این شبکه یورش بردند. خرنوال آنها را متهم کرده بود که سخنانش را در پخش خبری همان روز مورد تحریف قرار داده اند. در برابر مقاومت روزنامه نگاران پولیس مجبور به ترک دفتر این رسانه شد. سپس در ماه سرطان امنیت ملی آصف ننگ مدیرمسول نشریه دولتی جرگه ی امن و کامران میر هزار، مدیرمسول سایت انترنیتی کابل پرس و خبرنگار راديو سلام و طنذار دستگیر را دستگیر کردند.

دلیل دستگیری برای آصف ننگ انتشار مقاله ای از یک محقق کانادایی اعلام شده بود. این مقاله جنگ و جهانی ساختن، ۱۱ سپتامبر به سود کیست؟ نام دارد و در آن حامد کرزی عروسک دست امریکایی ها نامیده شده است. کامران میر هزار، مسئول سایت انترنیتی کابل پرس و خبرنگار راديو سلام و طنذار که خوانندگانش اجازه ی اظهار نظر بدون سانسور را در سایت خود می داد، برای انتشار مقالاتی که برخی از مقامات دولتی را به جاسوسی متهم کرده بود تحت بازجویی قرار گرفت.

این دو روزنامه نگار چندی بعد آزاد و مجددا دستگیر شدند. بتاريخ ۱۸ اسد کامران میر هزار دوباره از سوی امنیت ملی بازداشت و تحت بازجویی و تهدید قرار گرفت.

در ماه قوس رییس جمهور از توشیح قانون رسانه ها که در جهت آزادی مطبوعات بود خود داری کرد. مشاجره ای جدی بر سر این قانون میان پارلمان و دولت درگرفت. این قانون بحث برانگیز پس از تصویب پارلمان، در ماه جوزا تصویب شد. در جریان مباحث مربوط به آن برخی از نمایندگان که اغلب از جنگ سالاران سابق بودند، برای تصویب موادی در جهت کنترل بیشتر رسانه به بهانه رعایت ارزشهای اسلامی تلاش کردند. یکی از نمایندگان اسلام گرا تاکید کرده بود که این برنامه ها و این عکس ها از زنان نیمه برهنه چون سم هستند که ما بر جامعه می پاشیم و بهانه به دست کسانی می دهد که به دشمنان دولت بیبوندند. کارزار اعتراضی تصویب موادی تعدیل کننده را با مانع روبرو ساخت. در مباحث مربوط به این قانون یکی از مسوولین رسانه های آزاد میگوید: روحیه تجدد و آزاد منشی از این دولتی مرکب از کمونیست ها و مجاهدین سابق گریزان شده است. آنها رسانه ها را همچون ماشینی برای پروپاگاندا می خواهند. در آخر رییس دولت از توشیح این قانون به دلیل داشتن موادی که در مغایرت با قانون اساسی است خوداری کرد و آن را مجدداً به پارلمان بازگرداند. اصلی ترین مواد مورد اختلاف در این قانون در باره ی استقلالیت راديو تلویزیون ملی و ترکیب اعضای شورای عالی رسانه ها می باشد. این موارد پیشتر از جمله موارد اختلافی میان ولسی جرگه (پارلمان) و مشرانو جرگه (سنا) نیز بود.

در پی تکرار حملات اشتباهی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان و تأثیر آن بر اذهان عمومی این نیروها بیشتر از پیش در برابر انجام وظیفه خبرنگاران افغانی و خارجی مانع ایجاد می کنند. از جمله در ماه حوت نیروی ویژه امریکا در نزدیکی جلال آباد دوربین های عکاس و فیلم بردار خبرگزاری فرانسه (فرانس پرس) را که از صحنه های کشته شدن بیش از ده رهگذر تصویر برداری کرده بود، گرفته و عکس ها را از بین بردند. در ماه حمل کلر بیته گزارشگر آژانس مستقل هانس پرس در حالی که به تهیه گزارشی برای شبکه های تلویزیونی فرانس ۲۴ در باره ی وضعیت امنیت در کابل بود. توسط ماموران حفاظت یک شرکت خصوصی که با اردوی امریکا قرارداد بسته اند، بازداشت و به مدت ۴ ساعت از سوی نظامیان امریکایی تحت بازجویی قرار گرفت، در پایان فیلم های وی گرفته شده و مجوز وی توسط نظامیان امریکایی ضبط شد. وی متهم شده بود داشتن مجوز اقدام به فیلم برداری کرده است. روزنامه نگاران افغانی و خارجی هر روز بیشتر از گذشته با ممنوعیت تصویر برداری از سربازان ائتلاف در افغانستان مواجه می شوند.

آن کس که حقیقتی را می داند و پنهان می کند، تبهکار است. (برتولت برشت)

همچنان گزارشگران بدون مرز نگران وضعیت بازداشت جواد احمد روزنامه نگار افغان شبکه تلویزیون کانادایی سی تی وی (CTV) است. این خبرنگار جوان از سوی اردوی امریکا از ماه عقرب در پایگاه نظامی بگرام زندانی است. اردوی امریکا وی را برای داشتن رابطه مشکوک با طالبان بدون محاکمه زندانی کرده است. گزارشگران بدون مرز در این باره اعلام می کند: ما از وزیر دفاع امریکا رابرت گیتس می خواهیم که برای آزادی فوری این روزنامه نگار اقدام کند. بنا بر تمامی شواهد موجود این گزارشگر جوان بدون هیچ مدرک مستندی بازداشت و قربانی دستگیری خود سرانه و غیر موجه شده است. لازم به تذکر است که روابط حرفه ای روزنامه نگاران با طرفین درگیر قابل پیگرد نیستند.

دست کم دو گزارشگر دیگر **الحاج فیلمبردار** شبکه تلویزیونی الجزیره در پایگاه نظامی گوانتانامو و بلال حسین گزارشگر اسوشیندت پرس در عراق در بازداشت نیروهای نظامی امریکا بسر می برند. جواد احمد روزنامه نگار ۲۲ ساله که معروف به جوجو یازمی است، در ۱۱ عقرب توسط نظامیان امریکایی در پایگاه قندهار در حالی که همکاران اش از شبکه تلویزیون سی تی وی را همراهی می کرد، بازداشت شده است. وی متهم به داشتن شماره تلفن یکی از مسئولان طالبان در تلفون همراه خود و مصاحبه با وی شده است. صدیق احمد برادر این روزنامه نگار که در تاریخ ۲ دلو از طریق ویدئو - کنفرانس موفق به ملاقات با برادرش شده است، به گزارشگران بدون مرز گفت که برادرش مورد لت و کوب قرار گرفته است و در مدت بازداشت در زندان بگرام مقدار زیادی وزن کم کرده است. بازداشت این روزنامه نگار از سوی مسئولان شبکه تلویزیون سی تی وی تأیید شده است. بازداشتگاه بگرام بارها برای شرایط دشوار بازداشت شدگان مورد انتقاد قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۵ روزنامه نیویارک تایمز فاش کرده بود که دو زندانی که بعداً بیگناهی شان ثابت شد در اثر ضرب و شتم نگهبانان این زندان به قتل رسیده بودند.

بعضی از وبسایتهای ، رادیوها و نشریه های مربوط به افغانستان

افغان پیپر	صدای مردم	کابل پرس
امید وطن	بانک معلوماتی هزاره	لوموند دیپلوماتیک
فریاد	صبح بخیر	پیمان ملی
زندگی	انیس و افغانستان	سایت های بیشتر دری و پشتو
گفتمان	سایت های چپ فارسی	سایت میهن
خبر گزارى نووستى دوچه ویل آلمان	پژواک	سپیده دم
کابل نات	اسمائی وکابل نات	منابع فارسی و پشتو

کتابخانه دل آباد	بی بی سی فارسی	خبرگزاری صدای افغان
جهان نو	آژانس خبری باخترا	بی بی سی پشتو
صفحه زبان مادری دری	آشنا	هیواد، صلاح، اراده، کابل تایمز و آرمان ملی
جمعیت انقلابی زنان افغانستان	روزگاران و پیوند	چراغ و نشریه های احزاب مختلف در کابل
شعله جاوید	خاوران	روزنه
آژانس خبری پژواک	پیام مجاهد	جنبش و نهضت میهنی
فردا و اندیشه نو	جرگه	آریایی و نهضت آینده
صدای امریکا دری رادیوسویدن	دعوت	رادیو ها به پشتو و دری
رادیو فرانسه فارسی	رادیو اریانا	صدای امریکا پشتو
صدای المان دری	صدای المان پشتو	رادیو ایران پشتو
رادیو بین المللی چین فارسی	رادیو ایران فارسی	دانش پسند افغان
گوگل به فارسی	د چین بین المللی رادیو او پشتو خپرونه	رادیو آزادی
افغا حاوی صدها وبسایت و وبلاگ	اریانا نت	خپله پشتو
بینوا و اسلام فرهنگی تولنه	افغانستان رو	دیدگاه
۸ صبح	دری نگار	ریسرچ گوگل به فارسی
ویکی پدیا، دایرةالمعارف آزاد	پرشین بلاگ	دکشنری فارسی-انگلیسی
رادیو ملی و رادیو های ولایتی	مشعل	مهر
کانگره ملی	سپیده دم	پیام وطن
شعله جاوید	آینده	عصر جدید
اصالت	رادیو پیام زنان	شورای ملی

ادامه...